

# گلستان

همیشه که از سر این فن جا بر میشد  
خوشنویس بسیار خوشنویس  
خوشنویس و بسیار خوشنویس  
خوشنویس و بسیار خوشنویس

ادبیات مردم در خطوط آنهاست

و اعتباری بیشتر از انتقال مفاهیم و معانی داشته و از ظرفیت تفهیم و تفاهم بسی فراتر رفته است. خط برای خوشنویسان و خطاطان و هنرمندان که به حکم سنت‌های رایج شرع از پیکر نگاری و تصویرگری منع شده بودند، فرصت و امکان کم نظیری برای تجلی خواست‌های درونی و پسند و ذوق نقاشی آنها بود، از اینرو جنبه فنی خط نویسی در بسیاری از موارد تحت الشعاع ارزشهای تزئینی و هنری آن قرار گرفت و خطاطی از صورت یک وسیله ساده برای ابلاغ معانی، به شکل یکی از متنوع‌ترین و پرغناترین رشته‌های هنری درآمد و هویت تازه‌ای یافت.

خط فارسی با آنکه منشاء و ریشه عربی و سامی داشت، به حکم همین غریزه متلاطم هنری و تازه‌جویی و بدعت‌آفرینی هنرمندان ایرانی بزودی به ظرفیت‌های تازه‌ای دست یافت که واجد اعتلای آن شد و با شکستن حصار قواعد و قوانین خط عربی، شخصیت متمایز و مستقلی پذیرفت. ذوق و تخیل کنجکاو هنرمند ایرانی در اعماق حروف و کلمات فرو رفت تا با درک روح خط، ذات زیبایی و طنازی آنرا کشف کند و در راز و نوازش خط، جلوه‌های متنوع و تغییرناپذیر مکنونات و تظاهرات طبیعت و اشکال و صورت‌های ذهنی و طبیعی را به تصویر درآورد. خوشنویس ایرانی از طریق خط با طبیعت در آمیخت و زیبایی و جاودانگی و کمال را از آن آموخت. چنین بود که خط فارسی که در آغاز فقط به دونوع کوفی و نسخ نوشته میشد، در سیر قرون درخت تناوری شد که از هر شاخه آن جوانه‌های بسیاری روئید. برای پی بردن به میزان تنوع و گونه‌گونی خطاطی، کافی است بدانیم تنها از خط کوفی ۱۲ نوع خط منشعب شد که هر یک از آنها اثبات طبع بدعت‌گذار هنرمندان و خوشنویسان است.<sup>۱</sup>



شادروان سیدعلی اکبر گلستانه

خط و خطاطی درازمنه گذشته عرصه گسترده‌ای برای شکفتن و باروری استعدادهای هنری و ذوق و قریحه و آفرینش هنرمندان ایرانی بوده است. خط از دیرباز در ایران ارزش



تا اواخر عصر قاجار هنوز اساتید و هنرمندان نامی و شوریده‌ای بودند که بردنمای خط حکومتی چیره داشتند. سیدعلی‌اکبر گلستانه، ملقب به احتشام‌الادبا، یکی از این خوشنویسان است.

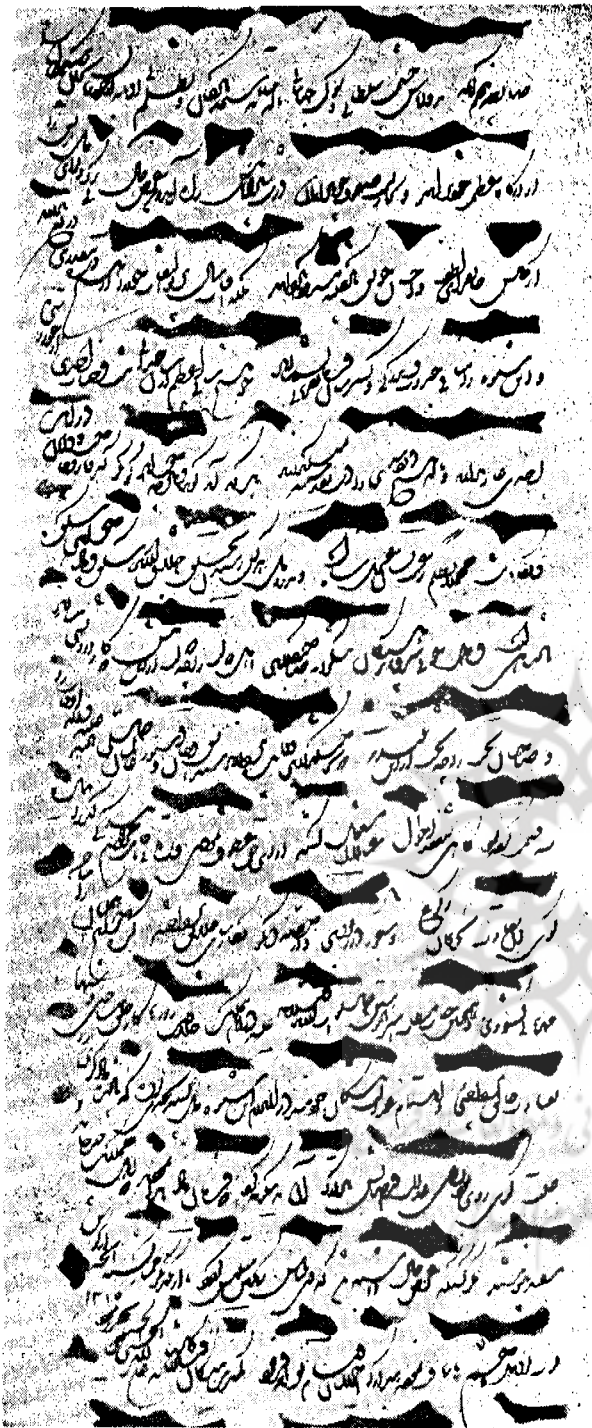
\*\*\*

زندگی گلستانه ۴۵ سال پیش نپائید. قریحه او در اوج شکوفائی و زاینده‌گی بود که مرگ در رسید، اما همین ۴۵ سال کافی بود که آثار ارزنده او به کتابخانه‌ها و موزه‌ها و کلتسیونهای هنری راه یابد و نامش را به ابدیت بسپارد. هنرمندی بود عارف و عارفی بود که در سیر وسلوک به درجات عالییه نایل شد و بصورت يك مرشد و مراد درآمد که اهل‌دانش واصحاب معرفت و کاوشگران حقیقت از محضرش کسب فیض میکردند.

چهره‌ای اندیشناک و نگاهی مه‌آلود، اما سوزان‌داشت. و این نگاه بیقرار از مرزهای اسرارآمیز دین تا افتخای نامتناهی هنر پرواز میکرد. لباس روحانی بر تن داشت و در این کسوت تفکر عابدانه و تعمق عارفانه را با جوهر هنر آمیخته بود. شخصیت دوگانه او در نهایت به یگانگی جاذبه‌انگیزی میرسید. نیمی از زندگیش وقف ارشاد خلق و آموزش شاگردان بسیار و نوشتن رسالات اخلاقی و تربیتی و مذهبی و راه‌جویی به سر منزل کمال و حقیقت بود. وجدان عارفانه او در این لحظات بر وجودش پرتو شگرف و الهام‌بخشی می‌افکند.

بخش دیگر زندگی استاد گلستانه در تسخیر هنر و ادب بود. خطاطی و نوشتن مقالات ادبی و تاریخی که بسیاری از آنها بخط خوش او باقی است، جنبه دیگر شخصیت او را فاش میکند. این مطالب و مقالات اینک در کتابخانه مسجد اعظم در دسترس مشتاقان و اهل تحقیق است. زندگی استاد گلستانه را از آغاز به اجمال مرور کنیم: سیدعلی‌اکبر به سال ۱۲۴۷ در خانواده قدیمی سادات گلستانه در اصفهان متولد شد. نخستین مراحل تحصیل را در زادگاهش گذراند و از همان هنگام آثار ذوق واستعداد هنر خطاطی در او آشکار شد.

خط خوش این کودک نوآموز، نوید آینده‌اعجاب‌انگیز او بود. این نکته را چشمهای دقیق بزودی دریافتند. سیدعلی‌اکبر در نزد استادان خوشنویس شهر خود به شاگردی رفت. آموزهای استاد و فراگیری رموز خط و خوشنویسی، استعداد خام، اما زنده و روینده او را پخته کرد و دیری نپائید که شاگرد دیروز خود استاد گرانقدری شد و جمع کثیری شاگرد در مکتبش گرد آمدند. گلستانه خط نستعلیق را به گونه‌ای فریبا و چشم نواز مینوشت، اما در خط شکسته گوئی الهام و گرمی از سرانگشتهای او در خطوط جاری



میشد.

سلطه او به رموز خط شکسته تا حدی بود که آقامیرزا احمدخان اشتری، متخلص به یکتا که خود از خوشنویسان معروف بود درباره‌اش گفت: «گلستانه از عالم غیب هدایت میشود»





مسلم خط شکسته است ، خوشنویسان اسیر سحر خط او شدند و  
براه او رفتند ، اما در خط شکسته هیچیک از این دنباله‌روان  
به استحکام و استواری و انسجام خط شکسته گلستانه دست  
نیافتند . در این مورد یکی از صاحب‌نظران گفته است :

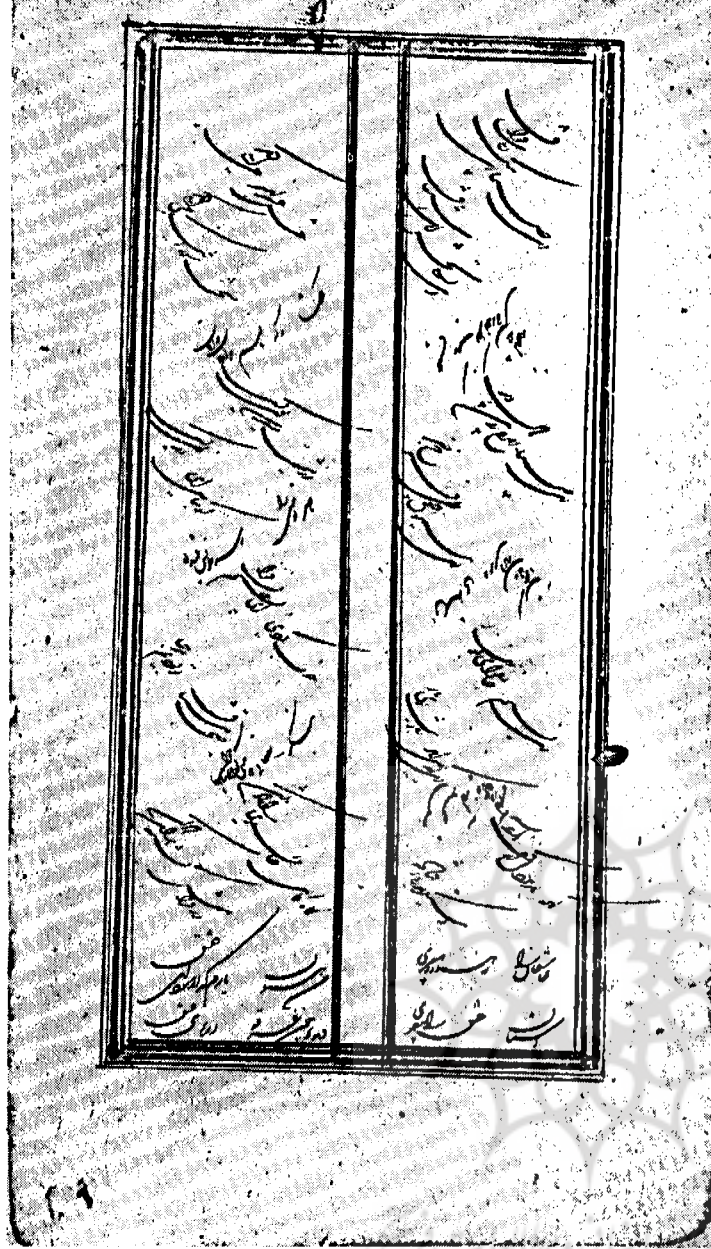
«هیچ خطاطی شباهت خط و اسلوب درویش را به پایه  
ومايه گلستانه نرسانید . او خط شکسته را در کتابت خفی تا  
شش‌دانگ اعلی ترقی داد .»

گلستانه نتوانست تمامی زندگی‌اش را در زادگاهش — که

و این کلام که به ظاهر آمیخته به ستایشی غلوآمیز است ،  
از حقیقتی باطنی حکایت میکند ، این حقیقت که هنر در  
کمال خود از نوعی الهام بزخوردار است و شعور هنری چور  
وحی و سرور در لحظات برانگیختگی و آفرینش ، برهنرمند  
نازل میشود .

روانشاد گلستانه با ناخن و انگشت خط مینوشت و به همین  
شیوه به شاگردان خود سرمشق میداد .

پس از ظهور درویش عبدالمجید که یکی از استادان



۱- دوازده نوع خطی که بمرور زمان از خط کوفی منشعب شد عبارتند از:

عهد - طومار - ریاس - مرصع - سجات - موامرات - امانات - مدیح - دیباچ - غبار - درخس - بیاض و حواشی .



خط نسخ را مادر خطوط در مشرق زمین خوانده‌اند . شش خط اصلی که بدهها رشته منشعب شده‌اند ، جمله‌ی ریشه در خط نسخ دارند . شش خط اصلی که بنشابه تنه تنومند درخت خطاند و از هر یک از آنها شاخساران بسیار سرزده است ، عبارتند از :

نسخ - محقق - ریحان - ثلث - رقاع - توقیع .

انواع خطوط اگر که خواهی ای یار

ثلث است و رقاع و نسخ و توقیع و غبار

ریحان و محقق است و توقیع و دگر

خطی است مسلسل جو سر زلف نگار

بسیار به آن عشق میورزید - بسر آورد . شور و بی‌تابی هنر و حقیقت بر جان او انعکاس یافته بود . ادیب عارفی که قلندر وار سالک طریقت حق و هنر باشد ، روح تشنه‌ای دارد . گلستانه با کنجکاو و عطش دیدار سرزمین‌های تازه ، مردم تازه ، ماجراهای تازه و حقایق تازه به سیر و سفر پرداخت و خراسان و فارس و عراق و تهران را در نوردید . طلبه بودن در عین استغناء خصیصه او بود و تاهنگامی که بر اثر یک عمل جراحی به مرگ پیوست ، این خصیصه ، روشن و نیرومند و بیدار بود . مرگ او به سال ۱۳۱۹ هجری اتفاق افتاد و بنا به وصیت خودش در جوار علی بن بابویه به خاک سپرده شد .